

و گرجیها و ارمنه که جزء ارتش بودند تشکیلاتی داده و در مقابل پیشرفت قوای عثمانی جبهه‌ای ایجاد نمایند. این مأموریت بعهده ژنرال دنسترویل (Dunsterville) واگذار شد که در ژانویه ۱۹۱۸ از بغداد بصوب مأموریت خود حرکت نمود. ولی نقشه‌اولی انگلیسها عملی نشد و قوای آنها نتوانست بتفلیس برسند. اینک تشبثاتی را که قوای اعزامی انگلیس برای رسیدن بمحل مأموریت بکار برده اند و موانع و مشکلاتی که در راه پیشرفت مقصود ظاهر شده شرح میدهم:

بعد از عملیات بالشویکها در نوامبر ۱۹۱۷ وقتی که قوای روس شروع بتخایه نواحی شمال ایران نمود واضح و معلوم شد که در جناح راست قوای محارب انگلیس در جبهه عراق شکافی بوسمت ۴۵۰ میل مسافت باز خواهد شد که از میان آن عمال و قوای آلمان و عثمانی بدون مانع میتوانند آسیای مرکزی را سبیل آسما احاطه کنند. انگلیسها امیدوار بودند که این شکاف را بوسیله نفرات داوطلب روس که مشغول تخریب و عقب نشینی بودند با پرداخت حقوق گزاف زیر پرچم و فرمان انگلیس مسدود سازند.

ولی تشبثات انگلیسها برای پل باین مقصود بی نتیجه ماند. لذا مجبور شدند که از این اقدام چشم پوشیده و شکاف موجود را بوسیله افسران و سربازان هیئت اعزامی خود مسدود نمایند.

بمناسبت مأموریت مخصوصی که بعهده میسیون اعزامی انگلیس محول شده بود فرستادن دستجات نظامی لزومی پیدا نمیکرد تقریباً دو بیست نفر افسر و همانقدر هم سرباز مأموریت یافته بودند که بعنوان مستشاران نظامی در قسمتهای جدید که مابستی تشکیل دهند خدمت کنند. افسران مزبور و سربازان از قسمتهای مختلف و جبهات متعدد انتخاب شده بودند: از فرانسه - ساویک - مصر - بین النهرین و آنها غالباً از اهالی کانادا - استرالیا - زلاند جدید و از جمهوریت‌های جنوبی افریقا بودند که از بین اشخاص مجرب و جنگ دیده انتخاب کرده بودند. جمع آوری این اشخاص کار مشکلی بود. به کادر افسران انگلیس عده‌ای هم افسران روس اضافه شدند و آنها را مستقیماً از لندن اعزام نموده بودند.

و عده‌ای هم که در اثر انقلاب روسیه فراری شده بودند بقوای ژرال دسترویل ملحق شدند .

۱۶

صبح ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ ، ژرال ( دسترویل ) با ۱۲ افسر و ۲ نویسنده ( بوسیلهٔ ۱۴ اتوموبیل فورد ) و یک اتومبیل زره‌پوش از بغداد بسمت ایران حرکت نمود . در بردیکی کرمانشاه بدو نفر قزاق روسی مصادف شدند که سرهنگ روس بیچراخوف ( Bitcherakhov ) برای راهنمایی و هدایت آنها فرستاده بود . ( سرهنگ « بیچراخوف » و قزاقهایش در مأموریت و عملیات آیندهٔ ژرال دسترویل شرکت و مدخات نام داشتند . گرچه اتباع او هم تا اندازه‌ای تحت تأثیر عوامل انقلابی واقع شده بودند ولیکن نسبت شخص بیچراخوف و قزاقان و سیممی بودند ) یکفر افسر انگلیسی از ارتش هند موسوم به سرهنگ « کاتریک » بعنوان افسر ارتباط همراه قوای بیچراخوف بود .

- سرهنگ « راولند-ون » انگلیسی بعنوان مأمور ارتباط با ژرال « بارانف » همراه بود .

راهها عموماً مملو بود از ارتش روس که بدون نظم و ترتیب مشغول عقب‌نشینی و تحایهٔ اراضی ایران بودند .

روز ۱۶ فوریه ژرال دسترویل با همراهانش بقروین وارد شدند . در قروین انگلیسها اطلاع حاصل کردند که ادامهٔ مسافرت آنها عملی نخواهد شد زیرا میرزا که چک خان سردستهٔ جنگاها اخطار کرده بود که خیال ندارد از منطقهٔ خودش با انگلیسها اجازهٔ عبور بدهد . کمیتهٔ جنگاها با موافقت کمیتهٔ انقلابی با اشویکها کاری کرد و آنها هم تصمیم گرفته بودند از عبور انگلیسها مانع شوند .

۱۷

وای انگلیسها باین حرفها اعتنا نکردند و روز ۱۶ فوریه بخرف رشت حرکت نمودند . و پس از رسیدن بندر پهاوی از طرف کمیتهٔ انقلابی با اشویک که زمام امور را در دست داشت احضار شده و مقصود آنها را از مسافرت بقفقازشوال

ژنرال دسترویل یکدسته کوچکی را تحت فرماندهی سرگرد «استارنس» به «بیجار» مأمور کرد. برای آنکه جناح چپ انگلیسها را از مانورهای عثمانیها در سمت سقر حفظ نماید، سرگرد «واکسناف» را هم با یک چنین عده و یک اتوموبیل زره پوش به زنجان فرستاد. منظور انگلیسها از اعزام این دستجات این بود که با اشغال زنجان ارتباط عثمانی هارا با میرزا کوچک خان قطع کنند.

۳۶

یکی از علل عمده پیشرفت انگلیسها این شد که قوای ابوابجه می بیچاره خوف تواستند در موقع عقب نشینی عمومی رو-ها اراضی ایران را تخلیه کنند و انگلیسها موفق شدند تصفیه قضایای مهم جنک را در همان موقعی که لازم و ضروری بود بهمه آمان واگذار کنند. بیچاره خوف روز ۲۸ مارس یعنی در همان روزی که میرزا کوچک خان خیال داشت قزوین را تصرف کند وارد شهر شده. ژنرال دسترویل حیای میل داشت شخصاً با میرزا کوچک خان ملاقات بعمل آورد و با او مذاکره کند لیکن عمال آمان جدا مانع پیشرفت این مقصود بودند. ژنرال مزبور در صدد برآمد که زمینه ملاقات سه هکت ۲ «ستورکس» را با نمایندگان کوچک خان فراهم کند تا که با او بتواند کنار بیایند و موافقت حاصل کنند.

ژنرال دسترویل مینویسد: وقتی قوا کافی نیست بایستی با زبان کار کرد. انگلیسها مشغول استخدام غرات داوطلب برای همدان شدند و بعد هم در قزوین شروع خواهند کرد. هر دو، قوای داوطلب عبارت خواهد بود از یک اسواران و دو گروه پیاده جمعاً شصت فرات تحت فرماندهی افسران ایرانی و به مستشاری افسران انگلیسی. مأموریت آنها منحصر بزود خوردن با راهزنان و دستگیری عمال و مأمورین آمان و عثمانی خواهد بود که مشغول تبلیغات بودند. در مناطق خطرناک و معشوش راهها هم وظیفه پاسبانی و امنیه را عهده دار خواهند بود.

صمنا ژنرال دسترویل در نظر گرفت که ۱۲ افسر و ۸ سرباز مأمور کند که برای دستجات داوطلب مدافع سمت تبریز حرکت کنند. ژنرال مزبور قریب ۲۰ نفر

از افسران خلبان روس را انتخاب کرده و نگاهداشت .  
روز ۲۵ مه ، سر هنگ « کی ورت » با قوایی که عبارت از پنجاه نفر افسر و  
۱۵۰ سرباز بود وارد شدند ، با همین دسته عده ای افسران روسی آمده بودند ،  
آنها را در انگلستان مخصوصاً انتخاب کرده و برای خدمت بهیشت اعزامی فرستاده  
بودند .

۴۱

روز اول ژوئن ۱۹۱۸ یعنی چهار ماه بعد از حرکت از بغداد ، ستاد قوای انگلیس  
از همدان بقزوین انتقال پیدا کرد .

انگلیسها متوجه بودند که دشمن آنها با اشغال بادکوبه تمام منابع و ذخایر  
وقت که برای بکار انداختن راههای آهن قفقاز و کشتیهای دریای مازندران لازم  
بود بدست میآورد .

با داشتن همین وسیله حاکمیت و سیادت دشمن در سر تا سر بحر خزر  
استقرار یافته و با اجازه میداد که مخازن بیشمار اتمه و اجناس موجوده کلیه  
بنادر بحر خزر را مصادره نماید و بعلاوه راه او بطرف افغانستان و آسیا بدون مانع  
باز میشد .

نقشه آلمانها که عبارت بود از تهاجم بصرف آسیای مرکزی از طریق  
ترکستان با وجود عده معتابه اسرای اطریشی که از طرف انقلابیون آزاد شده  
بودند خیالی سهل و آسان بود . (عده اسرای مزبور در ترکستان بالغ بر سی هزار  
نفر میگرددید) .

از طرف دیگر اشغال و تصرف بادکوبه از طرف انگلیسها عواقب و نتایجش  
از اینقرار بود :

سدود شدن طرق پیشرفت آلمانها و عثمانیها بطرف ذخایر و منابع غلط - بسته شدن  
دروازه های آسیای مرکزی بروی آنها - تصرف منابع غلط از طرف انگلیسها قطعاً  
عمل منظم حرکت راههای آهن قفقاز را مختل مینمود . اینك نقشه جدید انگلیسها  
بدست آوردن سیادت و حاکمیت بحر خزر بود و چون برای پیشرفت این نقشه

اشغال حتمی باد کوبه ضرورت داشت لذا آنها مجبور بودند هر چه زودتر برای حمایت شهر از تعرض قوای خصم شروع با اقدامات نمایند .

چون اهمیت باد کوبه در اینموقع خیلی زیاد بود لذا هر گونه فداکاری برای اشغال و تصرف آن از طرف انگلیسها بعمل میآمد ارزش داشت .

انگلیسها پس از انتقال ستاد قوا بقزوین ژنرال بایرون را برای تحویل گرفتن ریاست و فرماندهی قوای همدان فرستادند . و درصدد تهیه فرودگاه برای هواپیما برآمده و تهیه فرودگاههایی را در زنجان و میابج در نظر گرفتند . در همدان فرودگاه قبلاً تهیه کرده بودند .

آخرین مقصود و تصمیم قطعی انگلیسها تحصیل سیادت و حاکمیت بر دریای خزر بود و برای اینکار تصرف باد کوبه را لازم میدانستند .

۳۴

سرهنگ « بیچراخوف » اصرار داشت که با قوایش زودتر بمبهن خود مراجعت کند . و از طرفی میرزا کوچک خان موقیت خودش را دریل منجیل محکم کرده بود و تصمیم گرفته بود از پیشرفت قوای روس و انگلیس جداً ممانعت نماید .

در اوایل ژوئن انگلیسها اطلاع حاصل کردند که قوای مکفی که بتواند کلیه احتیاجات کنونی آنها را مرفوع سازد اعزام گردیده است :

دستجات هنگ چهاردهم « هوسار » بهمدان نزدیک شده و ۸ اتوموبیل زره پوش سنگین بکرمانشاه رسید و ستون سربع السیر هنگ « گنت » که عبارت از هزار سربزه بود در ۵۰۰ اتوموبیل سبک فوراً حرکت کرده بودند و میبایستی قبل از ۱۲ ژوئن بقزوین برسند .

برای تقویت دستجات مذکور « آشبار هشتم نوبحانه صحرائی شاهی » نیز از بغداد اعزام شده بود .

اینک انگلیسها پس از ورود قوای مکفی میتوانند از کلیه مسائل معوقه که در مقابل داشتند نتایج قطعی بدست بیاورند یعنی با کوچک خان وارد مذاکره شده

بطور خصوصی کنار بیایند و یا شروع بزد و خورد کنند. ولی مذاکرات انگلیسها با کوچک خان نتایج رضایت بخشی نداد. بالاخره ژنرال دنسترویل سرهنگ «ستوکس» را بعنوان پیک نزد کوچک خان فرستاد که با او وارد مذاکره شده بکلیه مسائل مختلف فیہ فیصله قصی دهد. ضمناً ژنرال دنسترویل بسرهنگ «ستوکس» دستور داده بود که مذاکرات با کوچک خان را بعقدیک ائتلاف و قرارداد عاقلانه خاتمه دهد.

شرایط و تقاضاهای انگلیسها از اینقرار بود.

استخلاص فوری اسراء (که سروان لوئل انگلیسی هم جزو آنها بود) آزاد کردن عبور و مرور در راه بندر پهلوی، تأمین و تضمین عبور بلا مانع قوای انگلیس و ضمناً ژنرال دنسترویل از جانب خود وعده داد که اگر شرایط و تقاضای فوق را کوچک خان قبول و رعایت نماید و حق خواهد داشت سیاست داخلی خود را در ایران تعقیب نماید.

سرهنگ «ستوکس» دو روز در قرارگاه کوچک خان نزدیک رشت توقف نمود و غیر از شنیدن جوابهای سربالا کاری نتوانست انجام بدهد، لذا مذاکرات خود را با آنها قطع کرد و همان روزی که محاربه منجیل شروع شد بطرف بندر پهلوی حرکت نمود.

ه ژوئن، بالاخره ژنرال «دنسترویل» موافقت کرد که سرهنگ پیچراخوف با قوای خودش برای حمله بطرف قوای جنگل و تصرف مواقع مجاور پل منجیل حرکت نماید.

قوای اعزامی که عبارت از چندین هزار نفر قزاق سوار و پیاده و نوپخانه بود تحت تقویت یک اسواران سوار نظام «هنگ» ۱ هوسار، انگلیس و ۲ انوموبیل زره پوش همان روز از قزوین حرکت کردند.

ضمناً هم قرار شد همینکه قوای پیچراخوف بنزدیکی خطوط دفاعیه و سنگرهای جنگلیها رسید فوراً ۲ هواپیما از قزوین بکمک آنها پرواز نماید.

۱۱ ژوئن مقدمات حمله بطرف مواقع و خطوط جنگلیها از هر حیث آماده و فراهم شد.

شب ۱۲، «بیچراخوف» قوای خودش را به نقطه معروف به «باله» که در هشت میلی منجیل واقع شده رسانید، طلوع صبح از آنجا حرکت و شروع بعملیات نمود.

دو هواپیما که از قزوین پرواز کردند دستور داشتند که در بالای مواقع دشمن حرکت نمایند و مادامیکه از طرف خصم بآنها تیر اندازی نشده متوسل به بمباران و تیراندازی با مسلسل نگردند.

بمحض اینکه هواپیماها بالای خطوط و سنگرها نمایان شدند، جنگلیها فوراً بطرف آنها شروع به تیراندازی کردند و از همین موقع «محاربه پل منجیل» رسماً شروع شد.

در همین موقع بیچراخوف هم در رأس قوای خود تدریجاً بطور غیر محسوس دامنه عملیات تعرضی خود را بسط و توسعه میداد.

تعداد واقعی قوای کوچک خان معلوم نبود، خود او مدعی بود که پنجهزار نفر است و احتمال میرفت که صف عده فوق را بسنگرها و مواقع دو طرف پل منجیل فرستاده باشد، قوای کوچک خان توپخانه نداشت، ولی مسلسل های بیشماری در مواقع مناسب و بلندبهای مجاور پل و آن طرف رودخانه قرار داده بودند، اما جنگلیها غفلت کرده و مواقع مهم را اشغال نکرده بودند و موقعیت آنها از حیث سنگر بندی چندان قابل ملاحظه نبود و نتوانستند از مسلسلهای خود استفاده کنند.

مرحله اول محاربه با پیدا شدن هواپیماها بقصد اکتشاف شروع شد با اینکه از طرف مقابل بآنها تیراندازی شد معذک بآنها صدمه ای وارد نیامد.

در اینموقع قوای بیچراخوف پیشرفته با پست دیدبانی دشمن مواجه گردید. بیچراخوف شخصاً جلوی رئیس پست پاسدار دشمن رفته و باتضیر پست مزبور را از آنجا خارج کرد و آن نقطه بدست قزاقها افتاد و بدین ترتیب مرحله ثانوی محاربه

خانمه پیدا کرد .

مرحله سوم محاربه با ورود فن پاخن افسر آلمانی که در خدمت کوچک خان بود شروع گردید ، فن پاخن بالباس رسمی نظامی آلمان و پرچم سفید از طرف کوچک خان برای مذاکره نزد بیچراخوف آمد و اظهار داشت : « مواقع جنگلیها از هر جهت محکم است و تعرضات شما بمواقع ما جز اتلاف نفوس نتیجه دیگری نخواهد داشت .

بهمین ملاحظه کوچک خان بمن دستور داده است که تصمیمات او را با اطلاع شما برسانم ؛ اگر شما روسها از انگلیسها جدا شوید اجازه خواهد داد آزادانه بطرف بندر بهاوی حرکت کنید . او باروسها نظر دوستی دارد ولی مخالف انگلیسهاست . قوای ابوابجمعی شما خلع سلاح نخواهند شد مشروط بر اینکه دسته دسته روزی دوست نفر حرکت کنند ولی به انگلیسها ولو بکنفر هم باشد ، اجازه عبور داده نخواهد شد .

بیچراخوف جواب داد : « من نمیتوانم بکنفر آلمانی را بسمت نمایندگی کوچک خان بشناسم ، من نمیتوانم داخل هیچگونه مذاکرات و عقد اتلاف با جنگلیها بشوم و تصمیم دارم بمحض اینکه شما از نظرم غایب شدید فوراً فرمان آتش بدهم .

در همین موقع تویحانه کوهستانی « بیچراخوف » موضع مناسب اشغال نمود و بمحض اینکه فن پاخن از نظر غایب شد سنگر های دشمن را مورد بمباران قرار داد .

سواره نظام قزاق و اسواران هوسار انگلیس برای احاطه جناح راست قوای جنگلیها بجنبش و حرکت آمدند و انوموبیلهای زره پوش هم در حماه شرکت کرده و بجناح چپ آنها تیراندازی نمودند .

دستجات پیاده هم بحالت زنجیر سطح جلگه را اشغال و شروع به پیشروی نمودند . طولی نکشید که جنگلیها سنگرهای خود را ترک کرده و بطرف پل منجیل شروع بعقب نشینی نمودند .

سواره نظام و زره پوشها در تعاقب آنها بحرکت آمده ، و بدون مقاومت



شدید منجیل را به تصرف در آوردند و عده زیادی از جنگلیها اسیر و گرفتار شدند .  
در این موقع تصرف و محافظت پل مشکل بود زیرا جنگلیها در آن طرف  
پل مسلسل داشتند و هنوز آتش توپخانه انگلیسها نتوانسته بود آنها را از فعالیت  
بندازد ، ولی افراد مسلسل بدون مقاومت مواضع خود را از دست داده و فرار  
اختیار کردند .

سواره نظام از روی پل عبور بلافاصله تمام عده پیاده نظام آن طرف پل تمرکز  
یافته و بقیه راه از پل منجیل نارودبار را بدون اینکه مانعی در مقابل داشته باشند  
بانهایت سهولت پیمودند .

بترتیب فوق محاربه در پل منجیل خاتمه یافت .

اسواران هنگ ۱ هوسار ، فرمادهی سروان «یوپ» برای محافظت پل در  
منجیل گذاشته شد و برای تقویت آن اسواران هم یکدسته پیاده نظام از ستون سربع السیر  
منجیل اعزام گردید .

پیچراخوف تصمیم گرفت که با قوای عمده خودش بصرف بندر پهلوی حرکت  
کند . فقط دستجات کوچکی در رودبار و رستم آباد ورشت باقی گذاشت ، که  
پس از رسیدن قوای انگلیس و اشغال نقاط مذکور آنها هم حرکت کرده در بندر پهلوی  
باو ملحق شود .

پس از رفتن پیچراخوف کوچک خان قوای خود را تشجیع نموده ، اظهار  
داشت که روسها رفتند و انگلیسها تنها مانده اند و چون سربازان ورزیده  
ندارند ، عمأ قریب همه طعمه جنگلیها خواهند شد و بقوای خود دستور داده بود  
که بدستجات قوای انگلیس که در جاده حرکت میکنند حمله برده و آنها را نابود  
و منهدم سازند .

روز ۱۸ ژوئن یکدسته از نظامیان هنگ «گنت» در بین راه مورد حمله واقع  
شد سروان «درنورد» مقتول و شش نفر از سربازان انگلیس مجروح شدند .  
حمله جنگلیها با تلفات سنگین دفع شد .

در همین موقع جنگلیها در سایر نقاط و مراکز قوای انگلیس نیز شروع بعملیات نمودند فشار آنها بیشتر متوجه مرکز امامزاده هاشم بود .

تعرضات جنگلیها در حوالی شهر رشت هم بر علیه انگلیسها رو بشدت گذاشت . قوای انگلیس خیلی کمتر از آن بود که بتوانند بر علیه جنگلیها شروع بتعرض نمایند و جنگلیها در مجاورت آنها قریب بدو هزار نفر عده مسلح موجود داشتند . بنابراین برای جنگلیها هیچ اشکالی نداشت که بیایند و شهر رشت را تحت اشغال و تصرف خود در آورند .

مدافعه و محافظت چنین شهری با ۴۵۰ سر نیزه غیر ممکن بود . لذا انگلیسها ناچار شدند قوای خود را در خارج شهر نگاهدارند تا در صورت حمله جنگلیها بتوانند مدافعه کنند . جاده بین منجیل و رشت با قوای بانگ بر ۸۰۰ سر نیزه و دونوب کوهستانی محافظت میشد . قوای مزبور متوالیاً در طول این جاده با جنگلیها مشغول زدو خورد بودند . اتوموبیل های زره پوش انگلیسها از قوای فوق تقویت میکردند .

بیچراخوف تصمیم گرفت با قوای خود بروسیه حرکت کند و در بندر کوچک آلبات و پنجاه مای جنوب بادکوبه از کشتی پیاده شود و غرض او این بود بقسمتی از قوای سرخ که مستقیماً با قوای عثمانی مشغول جنگ بودند ملاحظه شود . ژنرال دنسترویل که به بندر پهلوی رفته بود با بیچراخوف مذاکره کرده و تصمیم گرفت که چند نفر افسر انگلیس را بایک اسواران اتوموبیل زره پوش باتفاق او بادکوبه روانه نماید و نقشه عملیات آینده خود را با بیچراخوف تنظیم کرد . مسئله بنزین را کاملاً تصفیه نمود و عده ای افسر و هواپیما به بندر پهلوی اعزام داشت بدین طریق موقعیت نظامی و استراتژیک خود را در بندر پهلوی بر پایه محکم برقرار نمود .

۲۸ ژوئن ژنرال دنسترویل برشت مراجعت کرد و در ایام غیبت او مابین قوای انگلیس و جنگلیها در ناحیه امامزاده هاشم جنگ سختی واقع شده بود جنگلیها

شکست فاحشی خورده بودند .

دو نفر از افسران انگلیسی که عازم پهلوی بودند جاده را اشتباه کرده و به «کسما»  
رفته بودند در یک میلی آن نقطه هدف شلیک جنگلیها واقع شده یکی از آنها  
مقتول و دیگری پیاده برشت فرار کرد .

✽

پس از چندی دسته قوای دریائی انگلیس فرماندهی «نوریس» افسر دریائی  
بقوای انگلیس ملحق شد . عده مذکور چندین عراده توپهای چهار اینچی همراه  
داشت و مقصود از اعزام آنها تجهیز کشتیهای تجارتنی و مساعد شدن انگلیسها بر  
دریای خزر بود .

انگلیسها تصمیم گرفتند که کراسنودسک (Krasnovodsk) را که یکی از بنادر  
ترکسانان است ، نیز اشغال کنند که اگر قوای عثمانی موفق به اشغال بادکوبه  
گردند انگلیسها با داشتن «کراسنودسک» دروازه آسیای مرکزی را پاسبایی  
میکردند که قوای دشمن نتواند با تصرف پیش برود .

با اینکه تمام نظر انگلیسها بقفقاز بود معذالک ناچار بودند بیشتر بطرف جناح  
چپ و عقب آن جناح در نواحی تبریز و رضائیه که قوای عثمانی دامنه عملیات خود را  
در آنجا توسعه میداد توجه داشته باشند لذا انگلیسها با باجلوها که با عثمانیها جدآمیختان  
بودند داخل ارتباط شدید .

در این اوان نیمی ۳۹ پیاده برای تقویت قوای انگلیس بوسیله گامیون اعزام  
شد (گردان ۷ هنگهای «گلوچستر» و «ستافورد شمالی» و گردان ۹ هنگ  
«اوارچستر» و «واروبکس» جزو نیم اعزامی بودند) .

انگلیسها در همدان و قزوین ۳ دسته قوای داوطلب که جمعاً در حدود ۸ نفر میشدند  
تشکیل داده بودند . قوای مزبور را برای محافظت و امنیت و انتظام طرق و همراهی  
بارها و مسافرین بکار میبردند

ضمناً دستجات قوای چریک متوالیاً از طرف سرگرد (واگستاف) از شاهسونها  
و از طرف سرگرد (استارنس) از اکراد مهاباد استفاده و تشکیل میشدند .

و نظر انگلیسها از استخدام چریك استفاده از بغض و عداوت آنها نسبت بعثمانیها بود که آنها را وادار بجنگ باعثمانیها نمایند .

برای اواسط ژویه دستجات اول نیپ ۳۹ ندریجاً وارد قزوین شدند . قسمت عمده نیپ مزبور برای آخر ماه اوت در بندر پهلوی تمرکز یافت .



چون کوچک خان از مبارزه با انگلیسها منصرف نشده بود بامداد ۲۰ ژویه جنگلیها نمرضات خود را بطرف رشت شروع کردند و از سمت مغرب و جنوب غربی بشهر حمله ور شدند و آنها میخواستند با حمله و هجوم بیك دسته قوای انگلیس که تحت فرماندهی سرهنگ (ماتیوس) در جنوب شهر و در جوار قونسولگری روس متوقف بود بمقصود برسند .

در آغاز امر جنگلیها قصدشان این بود که بقوای حریف خود حمله نموده و در يك عرسه وسیع و آزاد قوای عمده او را بيك ضربت سخت درهم شکنند ولی این نقشه که از طرف فن پاخن افسر آلمانی تنظیم شده بود با وضعیت و روحیات قوای غیر نظامی مانند جنگلیها مطابقت نمیکرد . اگر آنها قبلاً شهر را اشغال میکردند خارج کردنشان از شهر برای انگلیسها فوق العاده مشکل میشد .

اینک نقشه ای که جنگلیها در نظر گرفته بودند بدو قسمت منقسم میشد :  
قوای عمده و مهم آنها مأموریت داشت بقوای انگلیس که عبارت از ۵۰۰ سربزه دهنگ گنت، و دستجات کور کاه و ۲۰۰ توپ کوهستانی و ۲۰۰ زره پوش بود حمله ور شده و آنها را درهم شکنند .

در همان موقع دسته دوم قوای جنگل مأمور بود بشهر حمله نموده و شروع بفارت و جپاول کنند .

قوایی که برای حمله و اشغال شهر معین شده بود با کمال سهولت بانجام وظیفه و مأموریت خود نائل گردید ولی عدم پیشرفت قوای عمده آنها و شکست فاحشی که خوردند و تلفات زیادی که در حمله بطرف قوای انگلیس دادند تأثیراتش در شهر زیاد شد .

هنگامی که جنگ بین قوای انگلیس و جنگلیها در گرفت عده زیادی از قوای جنگلیها بمرکز شهر حمله برده و عمارت قونسولخانه انگلیس را که بوسیله ۲۰ نفر پاسدار محافظت میشد محاصره کردند. وضعیت خطرناک قونسولخانه انگلیس را سرهنگ «ماتیوس» اطلاع دادند او هم قوای امدادی با زره پوش بانجا فرستاد و آنها توانستند قونسول انگلیس و مستحفظین او را از محاصره خارج سازند.

انگلیسها تعرضات بی دربی جنگلیها را دفع کردند و عاقبت جنگلیها مجبور شدند عقب نشینی کنند.

از دو هزار نفر عده کوچك خان يكصد نفر مقتول و پنجاه نفر اسیر شدند که بین آنها چند نفر سر بازهای اطریشی نیز بودند. تلفات انگلیسها پنجاه نفر بود. در پایان روز نبراندازی موقوف گردید و تعرضات جنگلیها خاتمه یافت و ای انگلیسها بواسطه قلت عده و نامساعد بودن وضعیت جغرافیائی از تعاقب جنگلیها خودداری کردند. روز بعد انگلیسها بوسیله هواپیما اقدام باخراج جنگلیها از شهر نمودند. برای اواخر ماه رشت کاملاً تحت اداره انگلیسها درآمد، و حکومت نظامی انگلیس برقرار گردید.

بدین طریق انگلیسها راه خود را بطرف دریا تأمین کردند. تنها تصرف بندر بهاوی برای آنها باقی مانده بود. از طرف انگلیسها سرگرد «برااون» افسر گردان ۴۴ پیاده هندی بحکومت بندر بهاوی معین شده بود. کمیته انقلابی بالشویک بزرگ اینجا وجود داشت.

در این اوان در مادکوبه کودناشده حکومت بالشویکی ساقط گردید و دهیئت مدیره مرکزی خزر (Centro-Kaspy) بجای آن روی کار آمد.

حکومت جدید بادکوبه فوراً نمایندگان نزد انگلیسها فرستاد و تمنای تقویت و مساعدت نمود.

انگلیسها هم سرهنگ «سنوکس» را باعده قبلی از هنگ «گنت» بعنوان قبول دعوت و جلودار پیادکوبه فرستادند.

قوای جدید انگلیس دسته دسته وارد قزوین شده و بانوموبیلهای بارکش بطرف

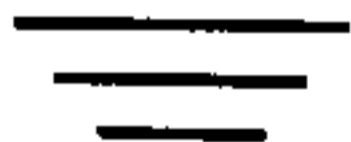
بندر پهلوئی اعزام میگردیدند .

۴ اوت ژنرال «دنسترویل» ستاد خود را از قزوین به بندر پهلوئی انتقال داد .  
حاکم نظامی انگلیس در بندر پهلوئی کمیته انقلابی بالشویک را بجرم رابطه داشتن  
با جنگلیها دستگیر کرد و بقزوین تبعید نمود .

در بندر پهلوئی انگلیسها اقدام بتصرف چند کشتی نمودند .  
در کیلان انگلیسها با کوچک خان معاهده صلح قطعی منعقد نمودند و در  
قسمت مبادله اسرای نظامی هم موافقت حاصل کردند و سروان انگلیسی «نوئل» را  
مستخلص ساختند .

روز ۲۶ اوت ژنرال دنسترویل برای انجام مأموریت خود بیاد کوبه میرفت و  
فرماندهی قوای انگلیس در ایران بعهدۀ ژنرال «شامپین» واگذار شده بود و  
مشارالیه دیگر مسئول وضعیت شمال ایران نبود .

در سال ۱۹۲۰ فرماندهی قوای انگلیس در ایران بعهدۀ ژنرال «آی رنساید»  
محول گردید . و در پایان آن سال قوای انگلیس خاک ایران را تخلیه نمود .



## بخش چهاردهم

### عملیات جنگی در سال ۱۹۱۶

#### مرحله یکم

وضعیت متفقین و نقشه آنها برای سال ۱۹۱۶  
صحنه غرب : تعرض احتیاطی دول مرکزی در  
جبهه غرب - نبرد «وردن» (فوریه - ژوئیه) .  
صحنه شرق : تعرض در ناحیه «دوینسک» و دریایچه  
«نارچ» - صحنه آسیا: جبهه قفقاز : عملیات ارضروم -  
عملیات در ایران - مذاکرات برای تشریک مساعی در  
آسیا - عملیات ناوگان روس در دریای سیاه - عملیات  
طرابوزان - عملیات سمت بغداد - مواقع عمومی  
ارتشهای عثمانی - نتیجه مرحله یکم .

#### وضعیت متفقین و نقشه آنها برای سال ۱۹۱۶

از متفقین دولت بخصوص سنگینی یعنی مصائب جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۵ را تحمل  
نمودند . مصائب جنگ در سال اول بفرانسه و در سال دوم بروسیه متوجه گردید .  
مسائل عمده ای که در سال ۱۹۱۶ روی داد عبارت است از همکاری جدی تر ایتالیا و  
همچنین مداخله کاملتر انگلستان در عملیات .

#### ایتالیا

در سنوات اولیه جنگ ، تاریخ ایتالیا شامل چهار عمل عمده است که هر یک  
از آنها جداگانه روابط ایتالیا را با متفقین محرز میدارد .  
چهار عمل مزبور عبارتند از : اعلان بیطرفی ( ۳۱ ژوئیه ۱۹۱۴ ) ، اعلان

جنگ به اطریش (مه ۱۹۱۵)، الحاق بقرارداد لندن (اول دسامبر ۱۹۱۵)، اعلان جنگ به آلمان (۲۷ اوت ۱۹۱۶).

این دو عمل اخیر می‌رساند که مساعی نظامی ایتالیا در سال ۱۹۱۶ تا چه حدی در مقدرات جنگ مؤثر بوده است؛ در نتیجه عمل نخستین، ایتالیا بمتحدین ملحق شد و دوش بدوش آنها در جنگ مداخله مینماید، و عمل دوم در حقیقت مولود و نتیجه منطقی عمل اولی میباشد.

دوات ایتالیا میخواست و نمی توانست، در آغاز کارزار يك باره بمتفقین ملحق گردد.

قسمت اعظم افکار ملی، و بسیاری از احزاب و محافل سیاسی، با جنگ مخالفت میکردند.

یادگار اتحاد ایتالیا و آلمان، منافع مالی و صنعتی عمده‌ای، و ترس از پیشآمد مخاطره بزرگی و از دست رفتن منافع هنگفتی، اینها همه مسائلی بود که قطع روابط ایتالیا و آلمان را بتعویق میانداخت. سیاست عملی وزراء نیز با ایتالیاییها توصیه میکرد که از مداخله کشور فقیر و غیر مجهزی در جنگ خودداری نمایند؛ مگر نا حدی که منافع ملی اقتضا کند. ولی در پایان سال ۱۹۱۵، اغلب این مواع بر طرف شده بود، فرماندهی ایتالیا موافقت کرد که ایتالیا نیز در جرگه متفقین در جنگ مداخله نماید.

### انگلیس

انگلیس هم با تمام قوای خود در جنگ مداخله نمود. تبلیغات لرد کیچنر وزیر جنگ نخست بر بازگیری عمومی و -پس به اختیار قانون خدمت نظام اجباری (۲۳ مه ۱۹۱۶) منتهی گردید. در آغاز سال ۱۹۱۶، با اینکه هنوز نتایجی از این اقدامات حاصل نشده بود، انگلیس اراده خود را دائر بر ادامه جنگ مجدانه تأیید کرده و مخصوصاً متذکر شده بود که جنگ را ناموقع بدست آوردن فتح قطعی با نهایت جدیت تعقیب کند.



آسکویت (Asquith)،

رئیس حزب بیز که تا  
چندی عالی رنم میل  
و اراده خود از افکار  
عمومی و پیشآمد حوادث  
مطابقت میکرد، در ۲۳  
فوریه ۱۹۱۵ اظهار  
نموده بود، ما موقعیکه  
آلمان خورد نشده است  
انگلیس باهضاء معاهده  
صلح تن در نخواهد  
داده. آسکویت در بیان  
این مطالب، تحت تأثیر  
فشار روزافزون رجال



فلد مارشال لرد کیچر

وزیر جنگ انگلیس (۱۹۱۶-۱۹۱۴)

محافظه کار و شخص لوید جورج (Lloyd George) وزیر مهمات واقع شده بود  
(لوید جورج سابقاً رادیکال و صلح جو بوده و اینک در رأس حرب طرفدار جنگ  
قرار گرفته بود).

در هر حال قرار بر این بود که کلیه قوای انگلیس در جبهه عرب با قوای فرانسوی  
تشریک مساعی کرده و در عین حال در شرق بیز (در فلسطین و بین النهرین) عملیات  
مخصوص خود را تعقیب نمایند.

روسیه

روسیه نیز در زمستان تمام وقت خود را در راه تنسيق نیروی جنگی که در نتیجه

شکستهای سال ۱۹۱۵ متلاشی شده بود صرف نمود.

در مجلس دوماء آزادیخواهان از سیاست ملی واتحاد اسلاو دفاع میکردند. با کمک سرمایه داران و ملیون، کارخانجاتی برای ساختن مهمات و ملزومات تشکیل دادند. از ملاقات بیکلا ۲ در قصر «نورید» که در فوریه ۱۹۱۶ بعمل آمد، چنین برمیآید که امپراطور روس با این حزب موافقت داشته و مایل بوده است به جنگ جنبه ملی داده شود.

مضاعف کردن خط آهن-سیبری، ایجاد خط آهن از ساحل «مورمان» تا پتروگراد و وسائل نقلیه را توسعه داد، بنحویکه متفقین قادر گشتند بیش از پیش کمکهای سریتر و مؤثرتری بروسبه رسانند.

### فرانسه

اما در موضوع فرانسه، اراده فتح کما فی السابق پایدار بود. موافقت بین زمامداران کشوری و فرماندهی عالی وجود داشت، این موافقت در اثر مساعی ژنرال «گالینی» وزیر جنگ و بریان (Briand) رئیس الوزراء که هر دورویه فرماندهی کل را در مقابل انتقادات عمومی دفاع میکردند، حاصل شده بود.

بریان در پایان ۱۹۱۵ جمله بموردی بیان نموده بود، باین مضمون:

« وحدت عمل در وحدت جبهه ». بدین طریق فکری را که ژنرال ژرفبارها

در سال ۱۹۱۵ بیان نموده بود بمسئولیت خود تأیید کرده و صورت اصلی در آورده بود. اینک فرانسه عهده دار شده بود عملیات و مساعی متفقین را بیش از پیش با یکدیگر وفق دهد. متفقین در سال ۱۹۱۶ هنوز بوحدت فرماندهی نائل نشده بودند. در زمینه مسائل نظامی هم، وحدت اداره که تا حدی تحصیل شده بود مرهون ابتکار شخصی فرماندهی کل فرانسه بود که تشکیل شوراهای جنگی را بین متفقین پیشنهاد کرده و جلسات آنها را خود شخصاً هدایت میکرد. تصمیمات متخذه شوراهای جنگی بوسیله فرماندهی کل فرانسه اجرا میشد، آنها بنحوی که ژنرال دو کلاس هایگ

(Duglas Haig) که بجانشینی

مارشال فریچ تعیین گردید حاضر شد  
«دستورات» ژنرال ژفر را تمام و  
کمال پذیرد .

در هر حال ، قدم بلندی سمت  
و حدت فرمادهی برداشته شده بود ،  
و ای وحدت فرمادهی هنوز نامین  
گردیده بود .

شورای جنگی شانتیلی

(Chantilly) که در ۶ دسامبر ۱۹۱۵ ،

عضویت نمایندگان نظامی فرانسه ،  
انگلیس ، روسیه ، صربستان و ژاپون

تشکیل گردید نقشه عملیات متفقین را  
بدین طریق تنظیم نمود :

« تعرض بررگی با مشارکت قوای فرانسه و انگلیس ، بایستی هرچه زودتر  
آماده شده و در تاربیحی که بعداً تعیین خواهد شد اجرا شود ، خواه برای تأمین  
حملات مترادف کلیه متفقین و خواه برای پشتیبانی قدرت متفقین در صورتیکه آنها  
در اجرای عملیات ابتکار را در دست گیرند . »

پس بدست آوردن نتیجه قطعی موط به ایست که حملات مقاربی در آن واحد  
و یا اقلأ در تاربیحهای بررگی در فرانسه ، در روسیه و در ایتالیا اجرا شود ،  
تقسیمکه دشمن خواهد قوای احتیاطی خود را از جبهه ای بجهه دیگر انتقال دهد .  
عملاً مابین تعرضات فرجه ۱۵ روزه ای پیش بینی میشود .

عمل کلی هرچه زودتر شروع خواهد شد . از آنجائیکه روسها تا ماه



فیلد مارشال سردو گلاس هاگ

فرمانده کل ارتش انگلیس در حمله فرانسه

ژوئن حاضر بعملیات نبودند ، تاریخ تعرض منظور برای اواخر همین ماه مقرر شده بود .

پس ژنرال ژفر بدون فوت وقت به پیش بینی چگونگی تعرض مشترك فرانسه و انگلیس پرداخت . در ۲۵ دسامبر ۱۹۱۵ ، از ژنرال « دوگلاس هایگ » ( Douglas Haig ) استفسار نمود : « در باب حمله‌ای که با ارتباط با قوای او اجرا شود چه نظریه‌ای دارد » . مذاکرات مدنی با کمال فعالیت ادامه یافت ، تا اینکه بموافقت بین فرماندهی کل قوای فرانسه و انگلیس منتهی گردید ، این موافقت بطریقی صورت گرفت که ژنرال ژفر آنرا در نامه ۱۸ فوریه خود بطور اختصار بیان داشته است ، باین مضمون : « هر گاه ابتکار عملیات را تا پایان تابستان حفظ کنیم ، قوای فرانسه و انگلیس متفقاً حمله قاطعی کنار رود سم » اجرا خواهند نمود ، و قوای فرانسه دوساحل آنرا اشغال خواهند کرد . این حمله در اوایل ژوئیه شروع خواهد شد .

از آغاز مذاکرات ، از آنجائیکه چنین حمله‌ای پیش بینی میشد ، ژنرال ژفر اوامری صادر نمود برای اینکه ارتشهای فرانسه خود را برای اجرای این حمله مشترك آماده سازند .

این احکام در تعقیب اصلاحات ممتد بعد از حملات سپتامبر - اکتبر ۱۹۱۵ صادر گردیده بود . اصلاحات مزبور نکات ذیل را در برداشت :

۱ - تشکیل قوای احتیاطی برای اینکه در اختیار فرماندهی کل گذارده شود ، و برای این منظور ، نحیف قسمتهای خط اول بحد اقل ، تحرك قوای احتیاطی محلی ، جمع آوری قوای احتیاط برای ارتشها و گروه ارتشها . مسئله تشکیل قوای احتیاطی در پایان ژانویه ۱۹۱۶ خانمه یافت .

۲ - آرایش زمین بمنظور اجرای حملات ناگهانی ، در تمام قسمتهای جبهه‌ای برای تعرض مناسب باشند .

۳ - استحکام آرایشات تدافعی ، استقرار موضع دومی ، آرایش مناطق مستحکم

در عقب این موضع برای اینکه در صورت رخنه کردن دشمن جهت حملات متقابله در عوض میدانهای مستحکم بکار برده شوند (آمین، جنگلهای اگل (Forêts de L'aigle) و کمین، کوه «رتس»، «ایسلت»، (Islettes)، مراکز وژ (Vosges) منطقه پورانتروئی (Porrentruy).

۴ - تعلیم افراد و کادر. تشکیل دانشگاههای ستاد و ایجاد اردوگاههای تعلیماتی برای لشکرها.

۵ - تشکیل ذخائر مهمات و ملزومات.

اقدامات مختلفه مذکور در آغاز سال ۱۹۱۶ تا حدی تأثیر بخشیده بود که بتوان احکام صریحتری صادر نمود. مناطقی مشخص تعیین شده بود (در طی دستور ۱۵ دسامبر) برای اینکه بمنظور عملیات تعرضی بعرض خاصی تجهیز شوند، (از ساحل چپ «سوم» تا «لاسینی»، (Lassigny)، از «کراٹن» تا برو (Berru)، از مورونویل (Moronvillers) تا ان (Aisne) از جنگل آپرمن (Apremont) به پیشه «لوپرتز» (le Prêtre)، از «بزاژ-لاکراند» (Bézange-la-Grande) به «وژ»).

در طی دستور ۱۸ فوریه خطاب بفرماندهان گروه ارتشها، تصریح شده بود، که این تعرض در حدود اوائل ژویه شروع خواهد شد، و تاریخ صحیح آن بعداً بر حسب میزان آمادگی ارتش روس مقرر خواهد گردید.

در عین حال (۲۶ دسامبر ۱۹۱۵) ژرال «فنس حکمی دریافت داشته بود دائر بر اینکه در جبهه «سوم - لاسینی»، (Somme-Lassigny) طرح تعرض تنظیم نماید. در طی دستور ۱۸ فوریه باو وعده داده شده بود که برای اجرای این حمله ارتشهای ۲-۶ و ۳ و ۳۹ لشکر پیاده نظام و ۱۷۰۰ توپ سنگین در اختیار او گذارده خواهد شد. این حمله که میبایستی با حفظ ارتباط با ارتش انگلیس اجرا شود، قرار بود در صورتیکه روسیه مورد تهدید واقع گردد برای آغاز آوریل، و الا برای آغاز ژویه تهیه شود.

ولی در ۲۱ فوریه، حمله آلمان در «وردن»، (Verdun) شروع میشود.

دیدیم که شورای جنگی « شانتیلی » امکان سبقت آلمانها را در اجرای این تعرض در نظر گرفته بود . اینک جهات و تأثیرات این حمله ذیلاً مطرح خواهد شد .



## تعرض احتیاطی دول مرکزی در جبهه غرب

( فوریه - مارس - آوریل - مه ۱۹۱۶ )

در سال ۱۹۱۵ ، آلمان موفقیت‌های عظیمی در جبهه شرق و در صربستان بدست آورد ، ولی از این موفقیتها هیچگونه نتیجه قاطعی حاصل نشد : زیرا ارتش روس بکلی منهدم نشده بود ؛ فتح صربستان هم که از طریق باز کردن راه آسیا ( با وجود محاصره ) اهمیت بسزائی در برداشت ، تا اخذ نتیجه قاطعی : یعنی دسترسی بسالونیک تعقیب نشده بود . از فتوحات شرقی فقط منافع مادی و اقتضاراتی بدست آمده بود ولی صلح قطعی منتهی نشده بود .

در شورای جنگی که در پایان نوامبر ۱۹۱۵ در قرارگاه کل انعقاد یافت ، علاوه بر وزیر جنگ ، رئیس ستاد بزرگ ارتش آلمان ژنرال فالکن هاین ، فرماندهان گروه های ارتش هر دو جبهه ، ولیمهد آلمان ، ولیمهد باویر ، و هیندنبورگ با اتفاق لودندرف شرکت جستند ، و نقشه عملیات سال ۱۹۱۶ در همان جلسه مطرح گردید : هیندنبورگ پیشنهاد کرد تعرض جبهه شرق ادامه یابد برای اینکه ارتش روس که فرسوده شده بود قطعاً منهدم گردد . ولی پیشنهاد او پذیرفته نشد و تعرض در جبهه غرب مقرر گردید .

قوای فرانسه و انگلیس هم ، در سال ۱۹۱۵ ، در جبهه غرب هیچگونه موفقیت قاطعی تحصیل نکرده بودند ، ولی دو مرتبه در « آرتوا » و در « شامپانی » نزدیک بود شکست غیر قابل جبرانی بپیروی آلمان وارد سازند . البته انتظار میرفت که در سال ۱۹۱۶ نیز همین جدیت با فعالیت بیشتری اعمال گردد . پرواضح بود که فرانسه تا آن موقع وحدت و جد و جهد خود را با منتهای فداکاری اعمال نموده بود ، (۱) انگلیس هم بر جد و جهد خود میافزود ، تا حدی که در نظر آلمانها

(۱) جملات متمایز از یادداشت‌های ژنرال فالکن هاین استخراج شده است .

داده شد. از آغاز فوریه، اطلاعات روشن تر شد. فراریان بسیاری، و مأمورین اطمینان بخشی نام و نشان عده هائی را، که فرانسویها بوجود آنها واقف بودند، معلوم داشتند. در ۱۴ فوریه، نسبت به حمله، دیگر تردیدی وجود نداشت. سیاه ۳۰ فراسوی با ۲ لشکر تقویت یافت، و سیاه ۲۰ مقدمات اعزام قوارا فراهم ساخت

ولی حمله آلمان حمله ای بود شدید و سخت و در عین حال ناگهانی، که منظور غافل گیری را نیز در برداشت، بعلاوه، فرانسویها بنا بر قرائن و اطلاعاتی که از جبهه های دیگری جمع آوری شده بود، انتظار داشتند حمله عمومی آلمانها صورت حملات مقارنی اجرا گردد، و بدین مناسبت همی خواستند قوای احتیاطی خود را یکباره بمصرف رسانیده و از دست دهند. حتی در «وردن» هم، سمنهای دقیق حمله مشخص بود: معلوم نبود حمله جبهه ای باشد یا «دو جابه» روه «موز ابا» و «موز» «پهاوئی» باشد از طریق «وور (Wœvre)» یا احاطه ای از طریق «برابان» (Brabant) و از راه «سن مپیل». این پستی از مختصات دفاع است که در فلان نقطه میتواند بهمان اندازه قوی باشد که تعرض در نقطه انتخاب شده قوی و بیرونند میگردد.

پس در اجرای حمله، آلمانها جلو افتاده و در عملیات سبقت جسته و در حقیقت ابتکار عملیات را در دست گرفته اند. اینک از این بهمد جدیت خواهند کرد ابتکار عملیات را نگاهدارند، نامیدان کارزار و سک برد را بر فرمادهی نیروی خصم (فراسه) تحمیل سازند. فرمادهی فراسه هم سعی خواهد نمود با جد و جهد دشمن مخالفت کند و در عین حال عملیات را با کمال صرفه جوئی هدایت نماید، تا در حین کارزار در آرایش قوایی که جهت اجرای نقشه بدوی متفقین لازم هستند توفیق یابد. تاریخ نبرد طولانی «وردن»، که با آن لجاج و ابرام مدنی طول کشید، عبارت از تفصیل کشمکشهای طرفین متخاصم است که اینک با اختصار و ایجاز بیان میگردد.

نبرد «وردن» مانند نبردی که «برای شکافتن جبهه است» آغاز گشته ،  
 و مانند نبرد فرسوده کننده‌ای که «به تحلیل میبرد» ادامه یافت . نخستین مرحله  
 آن کوتاه بوده و در اوایل ماه مارس پایان رسید . ولی مرحله دوم آن ، مرحله  
 طولانی و سختی بود که تا پس از آغاز نبرد «سم» (Somme) ادامه یافت ،  
 هر يك از این دو مرحله يك نقطه نهائی ، یعنی «بحرانی» ، در بر داشت ، و در  
 هر يك از این بحرانها فرماندهی نیروی فرانسه بر حوادث ناگوار غالب گشته  
 و قابع خطرناك و باریك را به موفقیت منتهی میگرداند .

نبرد وردن (نقشه شماره ۲۹)

### بحران یکم

در ۲۱ فوریه ، آلمان‌ها بین «موز» در غرب ، و «ارن» (Ornes) در شرق  
 بحمله مبادرت می‌نمایند ؛ در جبهه‌های مجاور ، نیروی پخانه تنظیمی شدت دارد . قرارگاه  
 کل نیروی فرانسه فی الفور امر میدهد سپاه ۱ تقرب جوید و سپاه ۳ نیز آماده باشد .  
 از قرارگاه کل نیروی انگلیس هم تقاضا میکند ارتش ۱۰ را تعویض کند ،  
 و از این تعویض که قبلاً پیش بینی شده بود ۱/۴ سپاه قوای آماده جنگ در اختیار  
 خواهد بود . از قرار معلوم ، حمله سخت بود . خط مقدم فرانسویها که از  
 «برابان-هومن-او بوایده کور» (Brabant-Haumont-le-Bois-des-  
 Caures-L'Herbebois) میگذرد در روز ۲۲ بکلی از دست داده شد . روز ۲۳ ،  
 فرانسویها در خط ساه و ایو-بومون-ارن (Samogneux-Beaumont-Ornes)  
 مقاومت می‌نمایند . و در روز ۲۴ در خطی که تقریباً از لوومن (Louvemont)  
 به «شامبرت» (Chambrettes) می‌رود قرار میگیرند ، ولی فرماندهی فرانسه  
 دیگر نمیداند خط مقدم او از کجا عبور میکند ، و اطلاعات اصلی مشعر است  
 بر اینکه دشمن در نقاط بسیاری رخنه یافته است . موقعیت باریك و بلکه خطرناك  
 بنظر میرسد . در چنین شبی (یعنی در شب ۲۴) ، که سقوط «وردن» حتمی بنظر  
 میرسد ، مقدمات نجات فرانسویها فراهم گردید .

در ساعت ۲۱ ، ژنرال ژوفر نلگراف ذیل را به ژنرال دولانگل دوکاری



( de Langle de Cary ) ، فرمانده گروه ارتشهای مرکزی ، مخبره مینماید :  
 « هرگاه عقب نشینی قوای واقعه در کیسه « ووژ » ( Wœvre ) را رو به  
 موز علیا ( Hauts-de-Meuse ) مقتضی بنمایید ، من نیز بدینوسیله کلیه تصمیمات  
 شمارا ، که ممکن است در این باب اتخاذ کنید ، قبلاً تصویب مینمایم . ولی در  
 هر حال ، بایستی با کلیه وسائلی که در اختیار دارید مابین « موز » و « ووژ » ،  
 ایستادگی نمائید . »

از ساعت ۲۲ تا ۲۴ ، اوامر لازمه داده شد برای اینکه در ساحل سمت چپ « موز »  
 ارتش جدیدی فرمادهی ژنرال پتن ( Pétain ) تشکیل یابد ( باستاد ارتش ۲ ،  
 ۳ سپاه و ۲ لشکر حاضر حدهت ) . مأموریت ارتش جدید بدین طریق مقرر گردید :  
 « جمع آوری قوای « ساحل فراسوی وردن » ( R.F.V. ) در صورتیکه قوای مزبور  
 مجبور شوند به ساحل سمت چپ عقب نشینی نمایند . منع عبور دشمن از « موز » .  
 بنا بر این ، در نیمه شب ۲۴ ، موقعیت بدین منوال است : در فردای همان شب  
 « ووژ » میبایستی تحایه گردد . در جهت حمله ، وضعیت مهم و تاریک است .  
 ارتش جدیدی ایجاد شده است ، تا در صورت تخلیه ساحل سمت راست ، جای  
 قوای موجوده را اشغال کند . پس اگر فرمادهی کل بیروی فراسه فرماده  
 گروه ارتشهای مرکزی امر داده بود در ساحل سمت راست ایستادگی نماید ، از  
 طرفی هم ژنرال پتن ( Pétain ) را مأمور نموده بود در صورت عقب نشینی گروه  
 ارتشهای مرکزی و تخلیه ساحل سمت راست ، ارتش جدید وی ساحل مزبور را اشغال  
 کند ، از این دو امر متابین چنین بر می آید که فرمادهی کل از ابتداء این  
 نکته را در نظر گرفته و درك نموده بود که ممکن است گروه ارتشهای مرکزی تواند  
 حکم او را دایر بر ایستادگی و پافشاری اجراء نماید .

اهمیت عمده بحران در همین نقطه است . ژنرال دو کاستلنو شبانه از شانتیلی  
 ( Chantilly ) حرکت کرده و در ساعت ۴ روز ۲۵ به پست فرمادهی گروه  
 ارتشهای مرکزی میرسد . عقیده او بر این است که « در جهت وردن ، در کلیه  
 رده های فرمادهی وضعیت جبهه مطابق احکام ۲۴ فوریه فرمادهی کل منظور نظر